

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین « سعیدی- سعید افغانی »

۰۳ اگست ۲۰۱۶

## تفسیر احمد - ۱۸

ترجمه و تفسیر سورة التین - ۱

این سوره در «مکه» نازل شده و مکی بوده و دارای ۸ آیت است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

والتين والزيتون (۱) وطور سينين (۲) وهذا البلد الامين (۳) لقد خلقنا الانسان في احسن تقويم (۴) ثم رددناه اسفل سافلين (۵) الا الذين امنوا و عملوا الصالحات فلهم اجر غير ممنون (۶) فما يكذبك بعد بالدين (۷) اليس الله باحكم الحاكمين (۸)

معلومات موجز:

سورة «التين» مکی است و دارای (۱) رکوع، (۸) هشت آیت، (۳۲) سی و دو کلمه، (۱۶۵) یکصد و شصت و پنج حرف، و (۳۳) سی و سه نقطه است.

ترجمه موجز:

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام الله بخشنده مهربان

«و التین و الزيتون» (۱) قسم به تین و زیتون (دو میوه معروف انجیر و زیتون یا دو معبد بزرگ کعبه و بیت المقدس)

« و طور سینین» (۲) (و قسم به طور سینا)

« و هذا البلد الامين» (۳) (و قسم به این شهر امن و امان (مکه معظمه)).

« لقد خلقنا الانسان في احسن تقويم» (۴) (یقناً که ما انسان را در نیکوترین صورت (در مراتب وجود) بیافریدیم).

« ثم رددناه اسفل سافلين» (۵) (سپس (به کیفر کفر و گناهش) به اسفل سافلین(جهنم و پست ترین رتبه امکان)

برگردانیدیم).

«إِلا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ» (6) (مگر آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند که به آنها پاداش دائمی (بهشت ابد) عطاء کنیم.)

«فَمَا يَكْذِبُكَ بَعْدَ الْبَالِدِينَ» (7) (پس ای انسان مشرک ناسپاس) چه تو را بر آن داشت که دین حق و روز جزاء را تکذیب کنی؟)

«أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ» (8) (آیا خدا مقتدرترین و عادل ترین حکمفرمایان (حاکم مطلق) عالم نیست؟)

### وجه تسمیه :

علت تسمیه این سوره را مفسرین چنین بیان می دارند: که پروردگار عزوجل در آغاز این سوره به چهار چیز پر اهمیتی قسم یاد کرده است.

«طوری که می فرماید: قسم به انجیر و زیتون، یا قسم به سرزمین شام و بیت المقدس»

نام این سوره «التین» از آیت اول این سوره اخذ گردیده است.

قسم پروردگار در آغاز سوره به «تین: انجیر» و «زیتون» بدین معنی و مفهوم است که در انجیر و زیتون خیرات و برکات بسیاری متعددی نهفته است.

برخی از مفسرین می نویسند که این گونه قسم ها در سوره «التین» اشاره به مراحل چهار گانه خودشناسی انسان را می رساند، و ناظر به آیت: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ» است.

- «تین» اشاره است به دوران و مقام آدم علیه السلام (که در جنت به آن آراسته بود).

- طور سنین اشاره به مقام حضرت موسی علیه السلام (که تفصیل آن در سوره آل عمران) ذکر گردیده است.

- «بلد آمین» اشاره به مقام رفیع حضرت محمد صلی الله علیه وسلم دارد که تنها در سایه دین اسلام میسر است (سوره آل ابراهیم). یعنی انسان با طی این مراحل است که به احسن تقویم می رسد.

هکذا مفسرین تفسیر های مختلفی برای «تین» و «زیتون» به عمل آورده اند که عبارتند از: - مقصود از «تین» و «زیتون» همان دو میوه معروف است؛

- «تین» مسجدی است که حضرت نوح(ع) روی کوه جودی بنا کرد و «زیتون» مسجد شهر قدس است؛

- «تین» و «زیتون» اشاره به سرزمین هائی است که درخت انجیر و زیتون در آن پرورش می یابد؛

- «تین» و «زیتون» نام دو کوه در شام است؛

- «تین» و «زیتون» نام دو شهر است؛

- «تین» و «زیتون» نام دو مسجد در شام است؛

- «تین» مسجد الحرام و «زیتون» مسجد اقصی است؛

- «تین» شهر دمشق و «زیتون» شهر قدس است؛

- «تین» مسجد دمشق و «زیتون» مسجد شهر قدس است؛

- «تین» کوهی است که دمشق بر آن بنا شده و «زیتون» کوهی در شهر قدس است؛

- «تین» مسجد اصحاب کهف (کهف: ۲۱) و «زیتون» مسجد شهر قدس است؛

- «تین» کوه «طور تینا» و «زیتون» کوه «طور زیتا» است؛

- «تین» اشاره به دوران حضرت آدم(ع) و «زیتون» اشاره به دوران حضرت نوح(ع) است؛

- «تین» و «زیتون» سرزمین فلسطین است؛

- هستند مفسرینی که در تفاسیر خویش می نویسند که هدف از زیتون ، همانا زیتون بیت المقدس است .

### کوه زیتا یا کوه زیتون :

نام کوه زیتون از درخت زیتون که به اندازه زیادی در این کوه وجود داشته ، مأخوذ شده است ، کوه زیتون را اعراب به « کوه طور » و یا کوه « طور زیتا » نیز می شناسند و قریه طور بالای این کوه موقعیت دارد . این کوه در شرق شهر بیت المقدس واقع است ، کوهی است که بر تمام شهر بیت المقدس مشرف می باشد . ارتفاع این کوه از سطح بحر تقریباً به ۸۲۶ متر می رسد . می گویند حضرت مسیح عیسی بن مریم به منظور فرار از آزار و اذیت یهودیها به کوه زیتون پناه می برد و در انجیل متی خطاب به بیت المقدس گفته است : ای اورشلیم ، ای قاتل انبیاء و ای شهری که به سوی فرستادگان الهی سنگ پرتاب می کنی ، چند بار خواستم فرزندان ترا همان گونه که مرغ جوجه های خود را زیر پر و بال خود می گیرد جمع کنم ولی نخواستید پس بروید که این منزل تنها به صورت مخروبه ای برای شما باقی خواهد ماند.

### اسباب نزول :

ابن جریر از طریق عوفی از ابن عباس (رض) روایت کرده است : که در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم اشخاصی بودند که سن و سال شان بالا رفته پیر شده بودند وقتی که به دلیل پیری عقل و اندیشه شان را از دست داده ، در این باره آنها از پیامبر صلی الله علیه وسلم سؤال کردند . پس خدای متعال وحی فرستاد و آنها را معذور داشت و فرمود اجر و پاداش اعمال خیری که در راه اسلام قبل از دست دادن عقل و خرد خود انجام داده اند نصیب آنها ست .

### محتوای سوره :

طوری که در فوق یاد آور شدیم : این سوره به آفرینش، مراحل تکامل، و انحطاط انسان می پردازد. بعد از شمردن عوامل نجات انسان، با تأکید بر مسأله قیامت و حاکمیت مطلقه خداوند پایان می گیرد. نکته ای که در این سوره مبارکه بسیار جلب توجه می کند این است که چرا پروردگار با عظمت ما به دو میوه مفیده «انجیر و زیتون» قسم می خورد که انشاء الله مختصراً به توضیح آن در روشنی نظریات و تفاسیر مفسرین خواهم پرداخت؟

### ترجمه و تفسیر:

« وَالزَّيْتُونِ وَالزَّيْتُونِ » ( قسم به « بلد » انجیر و زیتون!

«تین» در لغت به معنی « انجیر» و « زیتون » همان زیتون معروف و مشهوری است که مردم از آن روغن مفیده را به دست می آورند .

در مورد این که آیا هدف قسم به این دو میوه معروف است یا هدف از قسم پروردگار چیزی دیگری است؟ مفسران تفاسیر، تأویلات و تحلیل های مختلفی را در این مورد ارائه فرموده اند . تعدادی از مفسرین بدین نظر اند که ذکر این دو میوه معروف و مشهور در این سوره اشاره به خوراکه مفیده غذائی که خواص تداوی فوق العاده زیاد و مختلف النوع را دارد، می باشد.

برخی از مفسران بدین باور اند که هدف از آن میوه « تین و زیتون » در این سوره نیست، بلکه هدف از آن: طوری که در فوق هم یاد آور شدیم عبارت از: دو کوه معروف و مشهوری است که در شهر «دمشق» و «بیت المقدس» موقعیت

دارند. و این دو سرزمین، محل قیام بسیاری از انبیاء و پیامبران بزرگ خداست، یکی مبعوث شدن حضرت موسی علیه السلام و دیگری مبعوث شدن اسماعیل علیه السلام و محمد صلی الله علیه و سلم است که از فحواى قسم های آیت سوم و چهارم که از سرزمینهای مقدسی یاد می کند، می توان فهمید.

برخی از مفسرین می فرمایند که: «الثَّيْنِ»: انجیر. و ذکر آن در این سوره اشاره به دوران آدم علیه السلام است که او و زوجه اش بی بی حوا در جنت، برگ درختان و چه بسا انجیر را برای پوشش عورت خویش مورد استفاده قرار دادند: طوری که ذکر آن در (سوره اعراف / ۲۲) به عمل آمده است.

کلمه «الزَّيْتُونِ»: زیتون اشاره به دوران نوح است. که آدم دوم لقب گرفته است. گویا در آخرین مراحل طوفان، نوح کبوتری را رها کرد تا درباره پیدا شدن خشکی از زیر آب جست و جو کند. کبوتر با شاخه زیتونی بازگشت، از بازگشت کبوتر و نشستن آن بر شاخه زیتون نوح علیه السلام استنباط نمود که طوفان دیگر به پایان خود رسیده است. طوری که شاخه زیتون به حیث سمبول صلح و امنیت در بین تعدادی از عرب ها شهرت دارد. کوه «طور زیتا» که در بیت المقدس است. (مراجعه شود: جزء عمّ شیخ محمد عبده).

مفسر ابوحیان در تفسیر «بحرالمحیط» می نویسد: «ظاهراً مراد حق تعالی سوگند به خود انجیر و زیتون است». آری! حق تعالی به انجیر سوگند خورد زیرا انجیر میوه ای است که از تیرگی ها و آلایش هائی که لذت را می کاهد، خالص شده است به سبب آن که تمام آن با پوست و گوشت و دانه خورده می شود همچنین انجیر هم غذاست، هم میوه و هم دوا. انجیر غذائی است نرم و زود هضم که در معده بسیار نمی ماند، دوائی است ملین طبع، کاهش دهنده بلغم، پاک کننده کرده ها و مثانه، فربه کننده بدن، بازکننده مسامات جگر و طحال [تلی] و میوه ای است از بهترین و ستوده ترین میوه ها. بسیاری از اطباء نیز برآنند که انجیر مفیدترین میوه ها و مغذی ترین آنها برای بدن است. اما زیتون نیز هم میوه است، و هم می توان از آن روغن به دست آورد و هم می توان از آن در ترکیب بسیاری از دوا های استفاده به عمل آورد.

**« وَطُورِ سَيْنِينَ » (و قسم به طور سینین!)**

«طُورِ سَيْنِينَ»: اسم کوهی است که در صحرای سینا موقعیت دارد و حضرت موسی علیه السلام در بالای آن به مناجات با پروردگار با عظمت پرداخت. در کنار این کوه نور شریعت موسائی تابیدن گرفت (مراجعه شود به سوره: مریم / ۵۲). طور سینین، همان وادی سینا است که در میان مصر و فلسطین امروزی موقعیت دارد. کوه طور از جمله کوه هائی است که در شبه جزیره سینا موقعیت داشته، این کوه در دین ابراهیمی و به خصوص دین یهود از موقعیت خاصی برخوردار است. تعداد کثیری از روایات دینی یهودی به اصطلاح از همین کوه سر چشمه می گیرد.

کوه طور عبارت از همان کوهی است که بنی اسرائیل بعد از سه ماه از ترک مصر به آنجا رسیدند و در جوار آن خیمه زدند.

مطابق برخی از روایات ادیان ابراهیمی، خداوند شریعت را آنجا به بنی اسرائیل عطا کرد، گوساله سامری در همین کوه ساخته شده است.

در این کوه برای اولین بار وحی بر موسی علیه السلام نازل و در زیر درخت زیتون به وسیله آتش بر وی تجلی نمود. (خروج ۱۶: ۱۷)

این کوه به نام های کوه حوریب، جبل الله، جبل موسی در بین مردم شهرت دارد.

این کوه ۲۲۸۵ متر از سطح بحر ارتفاع دارد و به فاصله ۳۰ مایلی جنوب العریش واقع می باشد.

**« وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ » (و قسم و سوگند به این شهر امین (مکه) !)**

هدف از « أَلْبَدِ الْأَمِينِ » : یا شهر امین . سرزمین مکه معظمه است ، سرزمینی که حتی در عصر جاهلیت هم به عنوان منطقه امن و حرم خدا شمرده می شد و کسی در آنجا حق تعرض به دیگری نداشت .

مکه معظمه به حیث شهر «امین» نه تنها برای انسانها ، بلکه برای حیوانات ، درختان و گیاهان و پرندگان می باشد، نه جانداری در آنجا کشته می شود و نه گیاهی کنده می گردد، مگر انواعی از نباتات که مردم بدانها نیازمندند (تفصیل بیشتر را می توانید در جزء عمّ شیخ محمد عبده مطالعه فرمائید) .

« الْأَمِينِ » : سرزمین دارای امن و امان (مراجعه شود به سوره بقره / ۱۲۶ ، آل عمران / ۹۷ ، قصص / ۵۷) .  
در این آیات « طور سنین و بلد الامین » دارای مفهوم واضح و روشن است که هیچ گونه مناقشه را ایجاب نمی کند، طوری که در فوق یاد آور شدیم: یکی مبعوث شدن حضرت موسی و دیگری مبعوث شدن اسماعیل علیه السلام و محمد صلی الله علیه وسلم است.

اگر در روشنائی آیات دیگری از قرآن غور کنیم ، به وضاحت در خواهیم یافت که میان این دو سرزمین فقط یک شباهت خاصی وجود دارد و آن این که هر دو منسوب به پیامبران اند و دو پیامبر جلیل القدر در آن مبعوث شده اند، در طور سینا حضرت موسی علیه وسلم و در بلد الامین پیامبر صلی الله علیه وسلم مبعوث شد ، هر دو مبعوث پیامبران و مهبط وحی اند.

ارتباط قسم به طور سنین و بلد الامین ، با جواب قسم کاملاً واضح و هویداست ، زیرا این دو سرزمین که مهبط وحی بوده و بزرگترین شخصیت های تاریخی در آن تبارز کرده اند ، به خوبی گواهی می دهند که در انسان استعداد های بزرگی گذشته شده و در بهترین ساختاری آفریده شده ، مگر وجود این پیامبران بزرگ و جلیل القدر که به آن مقام بلند و رفیع رسیدند، هریک انقلاب عظیم و عمیقی را رهبری کردند ، و چون مشعل فروزان درخشیدند و شب تیره و تار جامعه جهل زده و ستم زده را روشن کردند.

بعد از ذکر این قسمهای پر محتوای چهارگانه که مختصراً بدان اشاره نمودیم ، درآیت ذیل به جواب قسم پرداخته چنین می فرماید:

« لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ » ما انسان را (از نظر جسم و روح) در بهترین شکل و زیباترین سیما آفریده ایم .

« لَقَدْ خَلَقْنَا . . . » : جواب قسمهای چهارگانه است . «أَحْسَنَ» : زیباترین . بهترین

«تقویم» به معنی در آوردن چیزی به صورت مناسب و نظام معتدل و کیفیت شایسته است ، و گستردگی مفهوم آن اشاره به این است که خداوند انسان را از هر نظر موزون و شایسته آفرید، هم از نظر جسمی، و هم از نظر روحی و عقلی ، چرا که هر گونه استعدادی را در وجود او قرار داده ، و او را برای پیمودن قوس صعودی بسیار عظیمی آماده ساخته و با این که انسان جرم صغیری است ، (عالم کبیر) را در او جا داده و آنقدر شایستگیها به او بخشیده که لایق خلعت و لقد کرما بنی آدم ما فرزندان آدم را کرامت و عظمت بخشیدیم (سوره اسراء آیت ۷۰) شده است همان انسانی که بعد از اتمام خلقتش می فرماید: « فتبارك الله احسن الخالقين » پس بزرگ و پر برکت است خدائی که بهترین خلق کنندگان است!

ولی همین انسان با تمام این امتیازات اگر از مسیر حق منحرف گردد چنان سقوط می کند که به «اسفل السافلین» کشیده می شود، لذا در آیت بعد می فرماید سپس ما او را به پائین ترین مراحل باز گرداندیم یعنی «ثم رددناه اسفل سافلین.»

می گویند همیشه در کنار کوه های بلند دره های بسیار عمیق وجود دارد، و در برابر آن قوس صعودی تکامل انسان ، قوس نزولی و حشتناکی دیده می شود، چرا چنین نباشد در حالی که موجودی است مملو از استعدادهای سرشار

که اگر در طریق صلاح از آن استفاده کند بر بالاترین قله افتخار قرار می گیرد و اگر این همه هوش و استعداد را در طریق فساد به کار اندازد بزرگترین مفسده را می آفریند و طبیعی است که به اسفل السافلین کشیده شود. « ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ » (سپس ما او را به میان پست‌ترین پستان برمی‌گردانیم) ( و از زمره بدترین مردمان می‌گردانیم ).

« رَدَدْنَاهُ » : او را برمی‌گردانیم . او را قرار می‌دهیم . کلمه (رَدَدَ) را به معنی اصلی برگرداندن و معنی ضمنی جعل ، یعنی قرار دادن و ساختن دانسته‌اند ( روح‌المعانی ).

« أَسْفَلَ » : پائین‌ترین . مفعول به یا منصوب به نزع خافض است .

« سَافِلِينَ » : پائین‌ترین . پستان . جمع مذکر سالم است و مراد انسانهایی است که امتیاز انسانیت خود را نادیده می‌گیرند ، و به جای پیمودن قوس صعودی ایمان و دینداری ، قوس نزولی کفر و بی‌دینی را طی می‌کنند ، و از درجه والای اعلی‌علیین به ژرفای گودال اسفل سافلین فرو می‌افتند . « رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ » : این بند ، بدین واقعیت اشاره دارد که کسانی که راه کفر و شرک و ستمگری و زورگویی و سایر مفاسد را در پیش می‌گیرند ، از مقام انسانیت سقوط می‌کنند و در نظر خدا از پستان پست بشمار می‌آیند و در دنیا از زمره ناپاکان ، و در آخرت از جمله دوزخیانند . (تفصیل این موضوع را در سوره : نساء / ۱۴۵ ، صافات / ۹۸ ، فصلت / ۲۹ ، بینه / ۶ ) مطالعه فرمائید .

همین انسان با تمام این امتیازاتی که برایش داده شده است ، اگر از مسیر حق منحرف گردد چنان سقوط می‌کند که به اسفل السافلین کشیده می‌شود .

ادامه دارد